نکته

تئاتر کودک و معضل‌هایش
جای خالی هنرمندان بی‌نیاز

■ بی‌تردید تئاتر کودک و نوجوان در این روزها جزو وابسته‌ترین هنرهای ایران است.

این بخش از هنر نیز مانند سینمای کودک دارای سه ضلع مثلث – مخاطب، هنرمند و دولت - است که چون هیچ کدام وضعیت را بهتر نمی‌کنند، هیچ‌گاه شکل نگرفته و گاه به‌صورت خط‌هایی موازی هم درمی‌آید.

دولت – کاتالیزور

دولت در اولین قدم برای اجرای تئاترهای کودکان راهی سخت و دشوار را پیش روی علاقه‌مندان قرار داده است که با انواع نظارت‌ها، عدم ارایه امکانات و سالن و تخصیص ندادن بودجه پوشیده شده است. وظیفه‌ای بر دوش دولتمردان است که به‌سادگی آن را نادیده می‌گیرند.

مخاطب – کودک

نمی‌توان گفت که کودکان امروز با تئاتر بیگانه هستند ولی سهم آنان حداقلی و مملو از بدسلیقگی است. حضور گروه‌های تئاتری در مهدکودک‌ها که نه‌آن‌چنان متن پروپیمانی دارند و نه آن چنان شیوه‌ای که بتواند کودک را علاقه‌مند کند. بیشتر هم قرار است اصول اخلاقی از مسواک زدن تا شانه کردن مو را آموزش دهد. اگر هم که به شهربازی یا مکان‌های سرپوشیده برای تئاتر می‌روند با همان گونه‌ای از تئاتر روبه‌رو می‌شوند که پرمایه نیست – آن چنان که اکبر عبدی در فیلم هنرپیشه آن را بازی کرده است- و به شکلی از ابتذال - از نظر محتوا - به یادگار گذاشته است. این خلاصه تمام برخوردهای کودک با تئاتر است. شاید به دلیل همین تجربه‌های اندک است که جا بازکردن برای دیدن تئاتر در فعالیت‌های روزانه کار سختی به نظر می‌رسد. تجربه صندلی‌های خالی در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان نیز هنوز از یاد نرفته است یعنی آن چنان بی‌تفاوتی به تئاتر امری عادی است که حتی اگر تئاتر به دم خانه برخی هم بیاید حوصله در باز کردن را ندارند. اما همین کودک نشان داده است که هربار اثری جذاب با معیارهایی حداقلی را شاهد باشد، می‌تواند تماشاگر پرتوانی باشد که همراه اثر و پابه‌پای آن پیش می‌رود.

هنرمند – به دنبال ایده‌آل

در حالی که کودکان به همراهی پدر و مادرهایشان می‌توانند همراهانی بالقوه برای حضور در سالن‌های تئاتر باشند این بخش از تئاتر طرفداران اندکی دارد و هنرمندان از توجه به کودکان می‌گریزند. آنان هرچند می‌دانند که اگر کودکان را به‌عنوان تماشاگر همراه خود کنند برای آینده تماشاگری حرفه‌ای را تربیت کرده‌اند که در هر فرصتی به تماشای تئاتر می‌رود. این روزها تعداد زیادی از بازیگران و کارگردانان تئاتر حاضرند سال‌ها و روزها پشت در تئاتر شهر یا تالار مولوی بمانند اما مسیری دیگر را امتحان نکنند که شاید مسیری جذاب‌تر باشد. اکثر هنرمندان و دانشجویان جوان در مدرسه تئاتر بازی می‌کرده‌اند. این نکته‌ای است که همه وقتی مشهور می‌شوند به آن اشاره می‌کنند تا از استعدادهای کودکی خود سخن بگویند. در روزگاران قبل‌تر در همین تالار چهارسو نیز امکان دیدن نمایش‌های کودک بود تا به این ترتیب بتواند تقاضای آن دسته از هنرمندانی که معتقدند فقط با نفس تماشاگر می‌توانند اجرایی خوب داشته باشند را نیز برآورده کند. گروه‌های مختلف و مشهور در کنار تجربه‌های متعدد اکثرا در کارنامه خود یک یا دو کار کودک هم داشته‌اند، تجربه‌ای که شمشیری دوسر است هم آسان است چون تماشاگرانش چندان سر از میزانس و کیفیت درنمی‌آورند و هم سخت است چون باید کودکی را در مدتی محدود جذب کنند؛ کودکی که دیگر از پشت شیشه تلویزیون یا پرده سینما تماشاگر آنها نیست و درجا به هر چیزی که دوست نداشته باشد واکنش نشان می‌دهد. هنرمندان در این میان می‌توانند نقش بیشتری را ایفا کنند. آنان می‌توانند با اندکی بی‌نیازی راهی طولانی را به سادگی بروند. شاید با اندکی سرمایه و با اندکی حس دوستی نسبت به‌کودکان کاری بزرگ را شروع کنند. آنان می‌توانند با تشکیل گروه‌هایی کوچک و تماشاگران کودک از فکر صحنه‌های بزرگ بی‌تماشاگر بگذرند. قطعا آن کسی که معتقد است صحنه‌های بزرگ در انتظارش است می‌تواند در این صحنه‌ها هم بدرخشد و پیش برود. شاید مسیر بهتر برای دانشجویانی که حاضرند تنها سیاه‌لشکرهای یک کار حرفه‌ای باشند عبور از این راه بی‌منت باشد. هرچند در نهایت دراین‌میان نگاهی که این هنرمندان تازه ازراه‌رسیده دارند، معطوف به یک نکته است، این راهی دور برای رسیدن به تئاتر حرفه‌ای و صحنه‌های بزرگ است و داشتن تماشاگرانی که بتوانند فقط بخش‌های خوب ماجرا را ببینند در کفه سبک‌تری نسبت به این ایده‌آل قرار دارد.

وعده‌ها

نگاهی به چند مرکزی که این روزها به عنوان سالن‌های تئاتر کودک و نوجوان شناخته می‌شوند، نشان از دست خالی بودن دولت به عنوان بالاترین مقام اجرایی در این راه دارد؛ سالن کانون در پارک لاله، تالار هنر به عنوان سالن تخصصی تئاتر کودک و گهگاه فرهنگسرای نیاوران یا یکی، دو فرهنگسرای دیگر. در این روزها در کمال خوش‌شانسی در این دو سالن تئاترهایی اجرا می‌شوند. هرچند بلیت آن سه تا پنج هزار تومان است و خبری از هیچ حمایتی که معمولا از آن وعده داده می‌شود، نیست. هرچند در آخرین نمایشی که در فرهنگسرای نیاوران اجرا شده است با موضوع آن یاد همان تئاترهایی می‌افتیم که در روزهای اول جنگ در مساجد با کمترین امکانات اجرا می‌شد و انگار پس از ۳۰ سال هیچ اتفاقی در راه خلاقیت نیفتاده است. به هرحال باید انگار به همین داشته‌ها قانع بود و منتظر ماند که وعده دیگر یعنی اجرای عمومی دو اثر نمایشی کودک و نوجوان تا پایان سال در حوزه هنری باعث تنوع این تئاتر می‌شود یا نه؟

حسین محب‌اهری:
تئاتر کودک دچار غفلت شده است

سحر آزاد

حسین محب‌اهری، بازیگر و کارگردانی است که یکی از دغدغه‌هایش تئاتر کودک است. او این روزها در نمایشی بازی می‌کند با نام «خاله مرجان و خروس» که در مرکز آفرینش‌های هنری روی صحنه می‌رود. هرچند این مرکز از آن سال‌های دور که بسیاری از اتفاقات تئاتر کودک ایران در آن رخ می‌دهد، فاصله گرفته است. از نظر این بازیگر باسابقه فرقی میان تئاتر کودک و بزرگسال نیست و اگر تئاتری مورد توجه کودک قرار نگرفت، ناشی از بی‌توجهی و بی‌اهمیتی عوامل و بازیگران است.

■■■

عکس: عکس احمد پیروزمند

چطور شد تئاتر کودک را انتخاب کردید؟

اصولا تفاوتی میان تئاتر کودک و بزرگسال نمی‌بینم چون تئاتر باید با مخاطب ارتباط برقرار کند و برای آن باید انرژی گذاشت، پس فرقی نمی‌کند این کار برای کودک باشد یا بزرگسال. گاهی قرار است نمایشی اجرا شود که مخاطب آن بزرگسال است و من در آن بازی می‌کنم، در مقابل نمایش‌هایی نیز هستند که برای کودکان باید اجرا شوند. برای من تفاوتی ندارد که مخاطب من کودک باشد یا بزرگسال. من برای هر دو به یک اندازه وقت و انرژی می‌گذارم. معتقدم چیزی نداریم که جدای کودک باشد. مثلا اگر هوا آلوده است، کودک هم در آن دخیل است. اگر مشکل اقتصادی، مساله ترافیک یا ازدحام جمعیت نیز داشته باشیم باز هم کودک در آن دخیل است و برای همین نمی‌توانیم مسایل‌مان را از کودک جدا کنیم مگر اینکه مساله‌ای خاص کودک باشد وگرنه به اعتقاد من چیزی جدای از کودک نداریم.

در تئاتر کودک چه ملاک‌هایی را باید در نظر گرفت؟

یکی از مهم‌ترین فاکتورها این است که هنوز ذهن کودک درگیر خیلی از مسایل اجتماعی نشده و به همین دلیل باید ارتباط لطیف‌تری با او برقرار کرد. به دلیل اینکه کودکان حساسیت بیشتری دارند باید به صورت غیرمستقیم با آنها صحبت کرد. در تئاتر بزرگسال می‌توان به صورت مستقیم با مخاطب ارتباط برقرار کرد درحالی‌که در تئاتر کودک پیام‌ها باید غیرمستقیم باشند. وقتی بچه‌ای با تئاتر ارتباط برقرار می‌کند، روح او لطیف‌تر باقی می‌ماند و من در تئاترهایم برای کودکان به این نکات توجه می‌کنم. در تئاتر کودک تنها باید به این مسایل توجه کرد وگرنه من تئاتر کودک را جدا از تئاتر بزرگسال نمی‌بینم.

نهادهای مربوط به تئاتر کودک مثل مرکز آفرینش‌های هنری چه تفاوتی با سال‌های گذشته پیدا کرده‌اند؟

ما متولی خاصی در این زمینه نداریم. یک زمانی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در مورد تئاتر کودک بسیار فعال بود. حتی در روستاها نیز نمایش اجرا می‌کردند ولی در دوره‌ای ارتباط میان کودکان، خانواده‌ها و تئاتر قطع شد. خوشبختانه دوباره دارد این ارتباط شکل می‌گیرد و تئاترهای بیشتری برای کودکان اجرا می‌شود.

این روزها هم از شما نمایشی روی صحنه می‌رود؟

من هم‌اکنون در تئاتری به نام «خاله مرجان و خروس» مشغول بازی هستم که به غیر از روزهای شنبه، بقیه روزها در پارک لاله اجرا می‌شود. بچه‌ها با خانواده‌هایشان برای دیدن این تئاتر می‌آیند و خوشحالم که چند ماهی است برنامه‌های کانون فعال‌تر شده است. اگر این برنامه‌ها تسلسل داشته باشند، مخاطب هم جذب می‌شود چون جذب مخاطب خیلی سخت است. بنابراین در روزگاری که عوامل زیادی درصدد ضربه زدن به روان بچه‌ها هستند، خوشحال‌کننده است که بچه‌ها می‌توانند تئاتر خوب ببینند. تئاتر کودک دچار غفلت شده است. کودکان ما باید در آینده ارتباط اجتماعی داشته باشند و شکل‌گیری آن از همان کودکی رخ می‌دهد. یکی از راه‌های ایجاد ارتباط اجتماعی تئاتر است. چقدر خوب است نهادهایی داشته باشیم که به تئاتر کودک اهمیت بدهند.

فکر می‌کنید بچه‌ها برای دیدن تئاتر باید چه آموزش‌هایی ببینند؟

این موضوع به علاقه و استعدادیابی آنها بستگی دارد. همان‌طور که کودکان در مسیر زندگی خود براساس علاقه خود، شغلی انتخاب می‌کنند، آنها در جریان دیدن تئاتر هم می‌توانند بفهمند دوست دارند این رشته را ادامه دهند یا نه. برخی از کودکان وقتی تئاتر می‌بینند، متوجه می‌شوند، به تئاتر علاقه دارند اما متاسفانه مکانی وجود ندارد که بتوانند استعداد آنها را ارزیابی کنند. نهادی که یک خانواده، کودک خود را با خیال راحت برای آموزش تئاتر در آنجا ثبت‌نام کند، نداریم. اگر کانون پرورش فکری برای تئاتر کودک فعال‌تر شود، می‌توان به رشد این شاخه از تئاتر امید بیشتری داشت. متاسفم که اگر کودکی بخواهد تئاتر کار کند، نمی‌تواند به نهاد خاصی مراجعه کند. در حالی‌که در ورزش چنین امکانی هست و خیلی از بچه‌های علاقه‌مند می‌توانند به راحتی آموزش ببینند.

جدا از این مساله، آیا کودک باید برای دیدن تئاتر آموزش ببیند؟

این موضوع خیلی گسترده است. با این‌همه نباید مساله‌ای را به صورت مستقیم به کودکان آموزش بدهیم چون کودک گریزان می‌شود. تئاتر باید کودک را به فکر وا دارد. به هرحال همه آموزش‌ها باید در داستان و نحوه اجرا شکل بگیرد. تفاوت کودکان و بزرگسالان در این است که آنها اگر از اثری خوش‌شان نیاید، خود را مجاب نمی‌کنند که آن تئاتر را ببینند و بسیار زود واکنش نشان می‌دهند. اگر تئاتری را دوست نداشته باشند، آن را نمی‌بینند. تجربه من شاهد این ادعاست. من در نمایش‌های «خاله مرجان و خروس» و «زیر پاتو نگاه کن» متوجه این نکته شدم.

خود بازیگران چطور؟

وقتی تئاتر برای عوامل و بازیگران مهم باشد و برای آن هم انرژی بگذارند، کودک هم جذب نمایش می‌شود. اگر انرژی بگذارید، انرژی‌تان به هدر نمی‌رود. امکان ندارد انرژی بگذارید و بعد از آن کودک از کار خوشش نیاید. اگر کودکی از تئاتری خوشش نیامد، نشان‌دهنده این است که آن تئاتر برای شما مهم نبوده است. من و مریم کاظمی که کارگردان این دو نمایش بودیم، حرکت‌هایی را در این زمینه آغاز کرده‌ایم، مثلا قرار است نمایش «دیو و بلا، آدم ناقلا» را از بهمن ماه اجرا کنیم. ما با این نمایش‌ها می‌خواهیم نظر مخاطبان را جذب کنیم و فکر می‌کنیم نقطه و شروع خوبی است. تماس‌های زیادی داریم که منتظر نمایش‌های بعدی ما هستند و این برای تئاتر کودک ما بسیار خوب است.

به غیر از این مسایل، چه کمبودهای دیگری در تئاتر کودک داریم؟

اصولا ما از نظر ارتباط مخاطب با تئاتر بسیار ضعیف هستیم. فکر نمی‌کنم کل مخاطبان تئاتر ما بیشتر از ۱۰ هزار نفر باشند. ما در این قضیه بسیار عقب هستیم و نتوانسته‌ایم ارتباط زیادی میان مردم و تئاتر ایجاد کنیم. اول باید مشکلات کلی تئاتر مانند مسایل اقتصادی، انتخاب متن، نوع اجرا و غیره را رفع کنیم و سپس به سراغ تئاتر کودک برویم. در سبد خانواده‌های ما تئاتر جایی ندارد و این موضوع، ناشی از مسایل اقتصادی است. دولت می‌تواند بلیت‌های مجانی در اختیار کارمندان قرار دهد تا به این نحو، به چرخه تداوم تئاتر میان مردم و اهالی این رشته کمک کند. دیدن آثار هنری روی ناهنجاری‌های جامعه تاثیر می‌گذارد و جلو بسیاری از بزهکاری‌ها را می‌گیرد.

چرا در حال حاضر تئاترهای خوب کودک مانند گذشته کمتر اجرا می‌شوند؟

بخشی از اجرانشدن این تئاترها به کم‌کاری خود هنرمندان برمی‌گردد. شاید وضعیت اقتصادی هنرمندان را دچار دغدغه‌هایی کرده است که در گذشته کمتر به آن پرداخته می‌شد. به عنوان مثال برخی از هنرمندان تئاتری به فکر پولدارشدن هستند. من منکر مسایل اقتصادی نیستم، اما کسی که وارد رشته تئاتر می‌شود باید بداند در چه حوزه‌ای فعالیت می‌کند و کمتر درگیر این موضوع‌ها شود. انگار فراموش کرده‌ایم چرا این شغل را انتخاب کرده‌ایم. از سوی دیگر نبود برنامه‌ریزی، کمبود بودجه و سالن هم به این موضوع دامن می‌زند. با همه اینها اگر بدانید چرا به این راه گام نهاده‌اید در مقابل همه سختی‌ها می‌ایستید. مثلا من نمایش‌هایی اجرا کرده‌ام که در ابتدا به من گفتند بودجه ندارند و من بدون دریافت حقوقی در آن کار کردم اما خوشحالم که در چنین نمایشی بوده‌ام.

درباره نمایش

این نمایش عروسکی آهنگین درباره خروس ماجراجو با هدف تجربه، دنیای شب خود را به‌خطر می‌اندازد. حسین محب اهری، مریم کاظمی، مرجان احمدی، سمیه نادری، حسین مزینانی، زهرا مریدی، آنا نمکچیان و عرفان میدانلو در این نمایش ایفای نقش می‌کنند. طراحی صحنه این نمایش را فرید نوایی، طراحی عروسک‌ها را سهیلا باجلان و ساخت موسیقی را فرید نوایی بر عهده دارند. نمایش عروسکی موزیکال «خاله‌مرجان و خروس» تا ۱۸دی هر روز غیر از شنبه‌ها ساعت ۱۷:۳۰ برای عموم در پارک لاله تهران اجرا می‌شود.

ادامه از صفحه ۱۱

خیال حوا– خیال آدم

اسم کار حوا و آدم است، برعکس چیزی که همیشه می‌بینیم، تفاوت‌هایی در این دو کار هست.

خیلی‌ها فکر کردند که انتخاب نام اثر حرکتی فمنیستی است. چون در «حوا» موسیقی وجود دارد ولی در «آدم» نه و من مدام این موضوع را توضیح دادم که این‌طور نیست و خیلی‌ها با کار «آدم» بیشتر ارتباط برقرار کردند. من در مورد جعبه موسیقی این توضیح را دادم که من فکر نمی‌کنم که «آدم» موسیقی ندارد، بلکه «آدم» شاید این اجازه را به مخاطب نمی‌دهد که به راحتی او را بنوازند و فضای مردانه او، سخت‌تر به مخاطب اجازه راه یافتن به حریم شخصی‌اش را می‌دهد. ولی «حوا» این اجازه را راحت‌تر می‌دهد. عوض کردن جای اسم‌ها هم برای خارج کردنش از فرم کلیشه‌ای بود، برای اینکه آدم و حوای من بشوند. درحالی‌که نمادهای خودشان را دارند.

نسل جدید مجسمه‌سازی، مثل شما، آناهیتا قاسم‌خانی، محمدرضا یزدی، کارهایی ساخته‌اید که مخاطب را درگیر می‌کند و این نقطه عکس کارهای مدعو از بزرگان مجسمه‌سازی بود که در نمایشگاه می‌دیدیم. چه چیزی شما را دارد به این سمت می‌کشاند؟

در بین بزرگان هنر نیز شخصی چون آقای وزیری‌مقدم حضور دارد که مجسمه‌هایی ساخته که می‌شود آنها را تکان داد و این درگیری مخاطب اتفاق جدیدی نیست.

خیلی‌ها معتقدند که کار دانشجو نباید وارد بی‌ینال شود و می‌گویند کسی که می‌خواهد وارد بی‌ینال شود باید پیش‌زمینه داشته باشد.

من فکر می‌کنم وقتی کسی ایده و توانایی لازم برای اجرای آن ایده را داراست و در کارش پیگیری به خرج می‌دهد چرا نباید وارد بی‌ینال شود ربطی به دانشجو بودن یا نبودن ندارد. ممکن است اصلا با متریال ساده‌ای کار کند. خیلی از بچه‌ها وقتی وارد دانشگاه می‌شوند، پیش از آن تجربه‌های هنری بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند به خصوص بچه‌هایی که پیش از ورود به دانشگاه در هنرستان‌ها تحصیل کرده‌اند...

در این دو پروژه با موضوع خیال کار کرده‌ای و تفاوتی که می‌بینیم، داری خیال را رازانگیزتر نشان می‌دهی. در کار قبلی‌ات ما چیزهایی را می‌دیدیم که در آدم و حوا فقط سایه آنها دیده می‌شود.

این حرف کاملا درست است. اما این اتفاق آگاهانه رخ نداد. این روندی است که در کارهایم به وجود می‌آید و مسلما باز هم تغییر خواهد کرد. باز هم روی درگیری بیشتر مخاطب با اثر کار خواهم کرد، چون فکر می‌کنم وقتی چیزی من را ذوق‌زده می‌کند احتمالا برای سایرین نیز جالب خواهد بود.

گفت‌وگو با مریم کاظمی، کارگردان
در تئاتر کودک کم‌فروشی نمی‌کنم

با مریم کاظمی که سابقه بیش از ۲۰ سال حضور در صحنه را دارد درباره کارگردانی نمایش «خاله‌مرجان و خروس» صحبت کردیم. او نویسنده و کارگردان چندین تئاتر کودک نیز هست. از اوایل دهه ۸۰ نیز گروه تئاتر مستقل را تشکیل داده است این اثر که حدود یک ماه از اجرای آن می‌گذرد با استقبال روبه‌رو شده است. استقبالی که صبح‌ها بیشتر محسوس است و تا ۱۸ دی هم امکان دیدن آن هست.

■■■

به روی صحنه بردن این تئاتر، پروسه‌ای طولانی داشته است؟

متن این نمایش را حدود سال ۸۵ به رضا عبدالعلی‌زاده پیشنهاد دادم که اول یک سیناپس کوتاه از آن را نوشتم و چون از نظرشان خوب بود کاملش کردم. در طول این سال‌ها ایشان که از کارگردانان با تجربه تئاتر کودک هستند بارها و بارها خواستند که این اثر را روی صحنه ببرند که نشد. به دلایل متفاوت این اتفاق نیفتاد. سال گذشته قرار بود یک جشنواره در کانون برگزار شود و پیشنهاد دادند اگر می‌خواهید تئاتری را آماده کنید. من با صحبتی که با عبدالعلی‌زاده داشتم این نمایش را به همراه گروه‌مان آماده کردیم. اما بعد از مدتی اعلام شد که اصلا جشنواره قرار نیست برگزار شود. اما ما تمرین را ادامه دادیم و در نهایت ۲۸ آبان توانستیم قراردادی را با کانون ببندیم.

به نظر شما اعتمادی که در سال‌های پیش به کانون بود الان هم بین مردم و پدر و مادرها وجود دارد؟

این نگاه هنوز هست و این مقبولیت ادامه دارد البته این اعتماد در طول سالیان به‌وجود آمده است و برنامه یک‌روزه و دوروزه نیست. در تمام ده‌کوره‌ها کانون پرورش فکری یک مکان برای فعالیت‌های فرهنگی اختصاص داده شده حتی در حد یک ماشین یا یک اتاق. چون در این زمینه همزمان آموزش و پروش نیز همراهی می‌کرد و یک جور ارتباط دو طرفه برقرار بود.

در آن زمان این همکاری دوطرفه سبب شد که به اصول تربیتی نگاهی دوباره شود و وارد یک مرحله جدید شوند و به دوران کودکی نگاه جدی می‌شود. مربیان اصول تربیتی نیز باید آموزش صحیح داشته باشند و این اتفاق پیش از این به طور دقیق‌تر در کانون می‌افتاد. کار در آن زمان به‌صورت سیستماتیک پیش می‌رفت و آموزش‌وپرورش و کانون با همکاری هم برای کودکان برنامه‌ریزی طولانی مدت داشتند.

در آن زمان به دلیل حمایتی که آموزش‌وپرورش از کانون داشت این اعتماد می‌توانست در دل مردم رخنه کند، پیش رود و گسترده شود. در واقع این اعتماد در مردم رخنه کرده است. این نگاه به گونه‌ای دیگر در شورای کتاب کودک با حضور توران میرهادی و نوش‌آفرین انصاریان بود و در ادبیات هم این شیوه بسیار موثر بود.

به نظرتان این روزها این رابطه همکاری بین نهادها و مردم، کمک بیشتری می‌کند؟

قبل‌ترها که همه کارهای فرهنگی دست یک نهاد خاص بود و مانند امروز همه ارگان‌ها به عنوان متولیان فرهنگ و هنر شناخته نمی‌شدند و همه روزنامه‌ها صفحات فرهنگی نداشتند، انگار فضا بهتر بود. این روزها انگار فرهنگ کمتر شده است، عدم کار مستمر، عدم بودجه، درگیری‌های شهرداری و کانون و کلا نگاه‌های اداری یک‌جور خسته شدن از کار فرهنگی را به همراه می‌آورد. انگار با این مسایل اداری جلو هر کار خلاقه گرفته می‌شود.

شما به عنوان یک کارگردان، اکنون تجربه چندین کار کودک را در کارنامه دارید. به نظرتان این‌گونه تئاتر آسان‌تر است یا سخت‌تر؟

ببینید من با وجود اینکه سال‌ها تجربه حضور در صحنه و اجرای نمایش و کارگردانی را حتی در زمینه کودک و نوجوان داشتم وقتی به سمت تئاتر کودک آمدم فهمیدم که خیلی کم از این شاخه می‌دانم. در این مسیر نگاه به کودک و دوران کودکی عوض می‌شود. من ایده این پیش فرض‌های خودم را عضو می‌کردم و باید از اول مانند یک دانشجو همه چیز را یاد می‌گرفتم تا جلو بروم و حرفه‌ای وارد تئاتر کودک شوم.

در تئاتر کودک باید منتظر مسایل مختلف بود آنها بلافاصله واکنش خود را نشان می‌دهند.

بله بارها اتفاقات این‌گونه افتاده است مثلا برق رفت یا اتفاقی افتاده است ولی نباید فراموش کرد که کودک در هرحال حتی اگر توجهی هم به صحنه نکند باز هم به داستان توجه می‌کند.

به هرحال یک کودک نه از میزانسن سر درمی‌آورد و نه از تپق زدن و نه از اشتباهاتی که در تئاتر حرفه‌ای، یک تماشاگر حرفه‌ای می‌تواند آن را دلیل ضعف نمایش بداند. این باعث نمی‌شود یک‌جوری قضایا را آسان گرفت؟

فراموش نکنید تماشاچی پدر و مادرها هم هستند آنها هستند که اگر خوششان بیاید کودک را بار دیگر هم می‌آورند. هرچند در تئاتر حرفه‌ای هم این مسایل مطرح است هم تپق زدن و هم فراموش کردن میزانسن. ولی خود من اصلا سعی نمی‌کنم در این مورد کم‌فروشی کنم یا آسان بگیرم. با جدیت تمرکز می‌کنم و خیلی جدی هم همراه گروه تمرین می‌کنیم.

چقدر شما به آموزش از طریق تئاتر کودک فکر می‌کنید؟

اگر قصه در مسیر درستی اتفاق بیفتد نکات آموزشی که در درونش هست حتما از طرف کودک مورد توجه قرار می‌گیرد. مثلا در همین نمایش هم، برگرفته از قصه فولکلوریک قدیمی ماست. اگر نکته‌ای نداشت حتما ماندگار نمی‌شد. فکر کنم اگر کسی بخواهد پیامی را بنویسد و مدام درگیر این باشد که پیام خود را القا کند از کار اصلی جا می‌ماند. فکر اصلی در مسیر و ذره‌ذره به کودک داده می‌شود. به نظرم این‌گونه نیست که تصمیم بگیرید چند تا اصل را همراه نمایش به کودک آموزش دهید.

جدول ۱۴۱۰

افقی:
۱- نامی دخترانه- جاویدان ۲- بی‌خبر از پیاده- سفره- کج و مایل ۳- ابزار اضافه لازم- گدا- اکنون ۴- آتش- همدم- دیو قصه‌ها- تکبر، غرور ۵- تاپ کوتاه زنانه- اپرای معروف ژرژ بیزه ۶- انقلابی فرانسه که در حمام کشته شد- چک- درخت زبان گنجشک ۷- صحنه نمایش- کتابی از سهراب سپهری- کفش پاشنه‌دار ۸- زخمی- گشادگی ۹- پدری- صبحانه- شهر توت ۱۰- شالوده و بنیاد- اولین ماه قمری- فوق ۱۱- ماترک مرده- دارای تلاطم ۱۲- عدد پیشتاز- بن بست بدن- کشور آسیایی- از هم گسیخته ۱۳- شتاب‌کننده- مقیم- روکش لباس ۱۴ -شرف- ارادتمند- اشک آسمان ۱۵- تمام شدن- بیچارگی

عمودی:
۱- آخری- خورش پر روغن- جیوه ۲- شهری در استان هرمزگان- جمع نجیب- خانه خدا ۳- از پرنده‌ها- سران و بزرگان- بیم، رعب ۴- مردی- نوعی پارچه ضخیم پرزدار- ناخوش ۵- سودای ناله- تراوش‌کننده- مانند، شبیه ۶- موسیقی چند بخش کلاسیک- لاغر و نزار- تکرار یک حرف ۷- منزل- جریمه روزه نگرفتن- گرم نیست ۸- گرگ- واحد بازی تنیس- حس بویایی- موجود ۹- عضو پرواز- تیزهوشی- تاکید شده ۱۰- رود آرام- مسلط و پیروز- پدر فریدون پیش دادی ۱۱- زن بهشتی- استان- کافی ۱۲- پر و آکنده- رهبر خونخوار قوم هون- سوغات کرمانشاه ۱۳- دولت‌ها- نهال نازک- پرناز و عشوه ۱۴- بانگ جانور درنده- جمع ناسک- در کشتی کار می‌کند ۱۵- نام خانوم‌ها- در توضیح کلام استعمال می‌شود- چرم براق

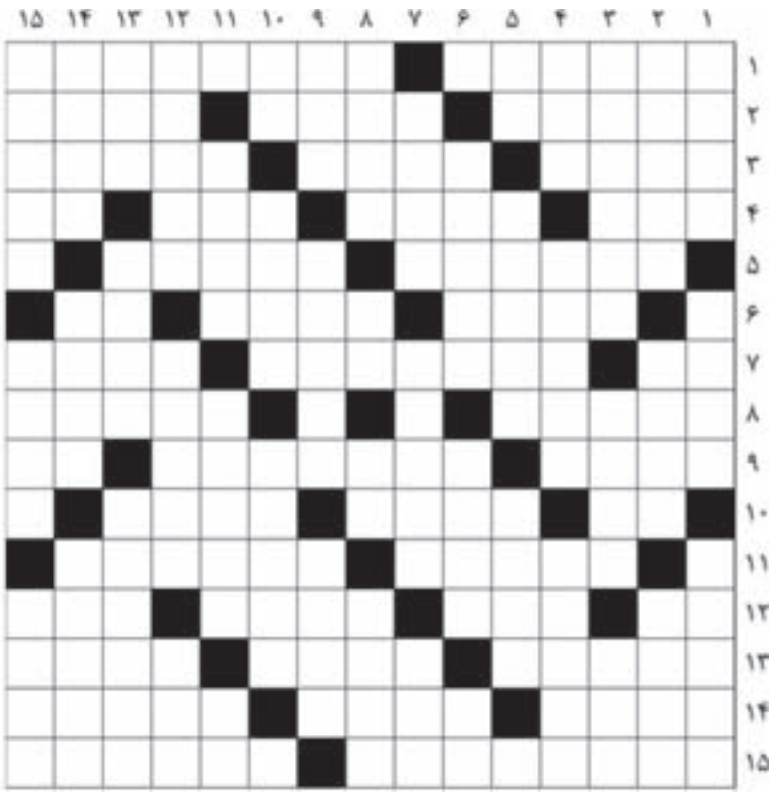

حل جدول ۱۴۰۹

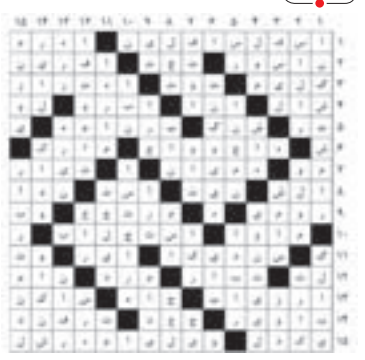

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۴۱۳

	۴	۳			۸	۱		۶
۷			۹	۱		۵	۴	
۵	۲	۱	۴			۹		
		۹	۱			۲	۶	۴
	۷			۸	۹		۱	
۳		۶	۲				۸	
	۸	۲				۶	۵	
		۷					۹	
		۵			۴		۲	۳

حل سودوکو ۴۱۲

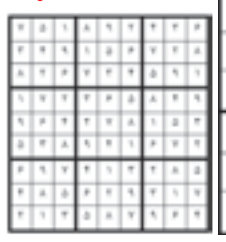

سودوکو سخت ۶۱

					۵		۷	
۳		۱			۸			
	۷	۵	۹				۴	
۷	۸					۲	۶	
	۱	۹		۸		۴		
		۴			۲	۹	۸	
	۵			۶	۱			
۱								۴
	۹		۲	۳				

حل سودوکو سخت

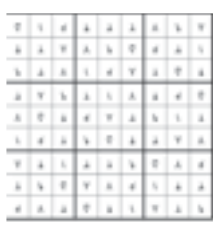

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.